گفتگو با حجت الاسلام مهدی مهریزی نویسنده و پژوهشگر

قسمت دوم و پایانی

راهکار رسیدن زنان به وضعیت مطلوب

محمد علی ندایی manedaei@yahoo.com

اشاره: در قسمت اول این گفتگو که دیروز به چاپ رسید سه رویکرد مهم در مسئله زن از دوره مشروطه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، اینک در بخش پایانی راهکارهای حل چالش‌های مربوط به عرصه زنان، وضعیت مطالعات زنان ونیز مشکلات عینی گسترش دیدگاه مترقی دینی را دنبال کرده‌ایم که از نظر شما می‌گذرد. گروه اندیشه

جناب آقای مهریزی قبول دارید که علیرغم کارهای انجام شده و تحولات مثبتی که پدید آمده هنوزهم درعرصه زنان با مشکلات و چالش های زیادی مواجهیم، به نظر شما راهکار اساسی برون رفت ازاین مسئله چیست؟آیا می‌تواند بازنگری اساسی درمنابع دینی چاره کار باشد؟

به نظر می‌رسد که اگر ما به قرآن نزدیک شویم و یک سلسله اصول و قوانینی را برای برداشت از احادیث درنظر بگیریم، بتوانیم ادبیات و دیدگاههایمان را بازسازی کنیم و آنان را به صورت مترقی عرضه نمائیم یکی از آن اصول که علامه طباطبایی هم آن را مطرح کرده، این است که توجه به قرآن در حوزه مسائل زنان بیشتر شود زیرا نگاه قرآن نگاهی عالی، مترقی و قابل دفاع است. تنها چهار پنج آیه است که نیاز به تامل دارد. بنابراین اگر ما ادبیات و دیدگاهمان را به ادبیات قرآنی نزدیک کنیم شاید بخش زیادی از این چالش‌ها حل شود.

قرآن در حوزه معرفتی نگاهی کاملاً مثبت به زن دارد و در حوزه مشارکت اجتماعی مشارکت زنان را در سطح عالی مطرح می‌کند، تمام واژه‌های سیاسی که قرآن به کار گرفته مانند، هجرت، جهاد، بیعت، امر به معروف ونهی از منکر و . . . به طور خاص و به صراحت در مورد زن هم آمده است.

در حوزه خانواده قرآن جایگاه پدر و مادر را برابر می‌بیند بعضی از آیه‌های مورد تامل در این حوزه وجود دارد مانند «الرجال قوامون علی النساء» یا «فاضربوهن فی المضاجع» که این آیه‌ها را هم می‌شود به گونه‌ای قابل دفاع و منطقی عرضه کرد.

نسبت به روایات هم چند نکته باید مور توجه قرار گیرد اول، گردآوری کامل روایات مربوط به زن، زیرا خیلی از مسائل هست که مقید و مخصص آن در روایت دیگری آمده است و فهم جامع و درست آن مستلزم گردآوری همه روایات است دوم جمع آوری سیره عملی پیامبر (ص)، ائمه (ع) و حضرت فاطمه (س) و ضمیمه کردن آن به اقوال و گفتار این بزرگواران؛ بسیاری از مسائل مربوط به زن را مانند نوع حجاب، رفت وآمد، نحوه معاشرت و حضور سیاسی اجتماعی زن با سیره عملی قابل تبیین است. در سیره پیامبر که در خیلی از کتابهای تاریخی نقل شده، آمده است که آن حضرت با ام سلمه همسرش مشورت می‌کند و یک بحران را حل می‌کند نقل شده که بعد از صلح حدیبیه عده‌ای از صحابه از قرارداد صلح ناراحت بودند و مفاد آن را به ضرر مسلمانان می‌دانستند. بدین جهت وقتی که پیامبر (ص) دستور دادند ما همین جا تقصیر و ذبح می‌کنیم و به مدینه باز می‌گردیم، حاضر به اجرای این دستور نشدند، در اینجا پیامبر با حالتی گرفته به چادری که ام سلمه درآنجا بود وارد شد، ام سلمه سئوال کرد چی شده پیامبر فرمودند: دستور خدا را ابلاغ کردم اما کسی انجام نداد ام سلمه گفت: شما خودتان انجام دهید بقیه هم انجام می‌دهند پیامبر (این سخن را پسندید و) تقصیر کرد و قربانی نمود به دنبال آن حضرت صحابه نیز چنین کردند، اگر اسم این مشورت نیست پس چیست؟

سوم: توجه به نقل به معنا در برخی از روایات، بخش هایی از روایات است که با واژه‌های مختلف نقل شده مثلا کلمه «نواقص الایمان» در بعضی از نسخ نهج البلاغه «نواقص الدین» آمده است، دین در فرهنگ روایی بیشتر به تکالیف و ایمان به اعتقاد و حالت قلبی اطلاق شده است بنابراین خیلی فرق می‌کند که بگوئیم «ان النساء نواقص الدین» با «ان النساء نواقص الایمان» در عبارت اول هیچ مشکلی پیش نمی‌آید چون نواقص الدین یعنی نواقص التکلیف و این به دلیل ایام عادات زنانه است که تکلیف نماز و روزه بر آنها نیست. ولی اگر نواقص الایمان باشد با اشکال مواجه می‌شود چون ایمان نتیجه عمل است و امری است قلبی

چهارم: توجه به تاریخ صدور این روایات است و پنجم عنایت به جعل و تحریف و تاثیرپذیری مسلمانان از فرهنگ های غیراسلامی اعم از ایرانی، مسیحی، یهودی و عربی. پس اگر ما اصل را قرآن قرار دهیم و در برخورد با روایات به این پنج نکته توجه کنیم می‌توان زمینه بسیاری از چالش ها را از بین برد. از سوی دیگر استفاده از دستاوردهای علمی و تجربی جدید نیز می‌تواند بسیار راهگشا و موثر باشد.

آقای مهریزی باتوجه به اینکه جنابعالی درحوزه مسائل زنان مطالعات نسبتا گسترده ای داشته اید، اگربخواهیم به اختصارنگرش کلی اسلام را نسبت به زن بیان کنیم چه چیزی می‌توان گفت به عبارت دیگر، اسلام مدینه فاضله زنان را چگونه تصویرمی کند وزن را در چه جایگاهی نسبت به مرد می‌بیند و چه جایگاه اجتماعی برای او ترسیم می‌کند؟

اگر بخواهم در یک جمله اشاره کنم، می‌توانم بگویم که خدا انسان را آفریده برای تداوم انسان، او را به دو صنف تقسیم کرد، بنابراین زن ومرد هر دو از هویت مستقل و کامل انسانی برخوردارند و در سه حوزه زندگی فردی، اجتماعی وخانوادگی زن جایگاه برابر با مرد دارد جز در موارد خاصی که اقتضائات دو صنف شدن زن ومرد است و در بعضی از جایگاههای اجتماعی خود را نشان می‌دهد اما آنچه اصل اولیه است، اشتراک زن ومرد در انسانیت است. در عرصه زندگی فردی یعنی در علم‌آموزی وکسب کمالات معنوی این برابری کاملا پذیرفته شده است و در خانواده هم از حقوق و تکالیف نسبتا برابر برخوردارند و در عرصه اجتماع هم منعی نیست منتهی زن ومرد با زنانگی و مردانگی نباید در اجتماع ظاهر شوند به تعبیر عربها، عرصه انوثیت و ذکوریت مربوط به خانواده است و اسلام هم بر آن تاکید دارد لذا حضور اجتماعی زن امری کاملا منطقی و قابل دفاع است و آن نگرشی که این حضور را باعث فساد می‌شمرد، قابل دفاع نیست. نهایت آن آداب و شرایطی که دین گفته در حضور اجتماعی زن ومرد باید رعایت شود مرحوم علامه شمس الدین در کتابش «اهلیة المراة لتولی السلطه» از عالیترین کار اجتماعی زن یعنی حق حکومت هم دفاع می‌کند.

فقها هم گاهی بر اصل اشتراک زن و مرد تاکید کرده‌اند مرحوم بحرانی در کتاب حدائق چند جا تاکید می‌کند که قاعده اشتراک اقتضا می‌کند هر چه در نصوص دینی آمده اولا و باالذات برای زن ومرد برابر است و اختصاص دادن به یکی از آن دو نیازمند دلیل است. از جنبه کلامی هم آیت‌ا. . . جوادی در کتاب زن در آیینه جلال و جمال بر اصل اشتراک تاکید می‌کند، گرچه ساختار زبان عربی، ساختار مذکری است و در موارد تغلیب کلمه به صورت مذکری به کار می‌رود اما این مبنای استنباط نیست. علیرغم وجود چنین دیدگاههای متقربانه‌ای به نظر می‌رسد جامعه ما همچنان در عرصه عینیت و ذهنیت عمومی با موانعی روبرو است. برای رسیدن به وضعیت مطلوب باید در چند حوزه تلاش هایی صورت گیرد یکی از آنها، فرهنگ عمومی است. دراین حوزه هنوز نگرش درست شکل نگرفته است متاسفانه ادبیات حاکم بر فرهنگ عمومی مرد سالارانه است مثلا قاضی دادگاه وقتی می‌خواهد بین زن و مرد صلح برقرار کند، تعابیر وادبیات مردسالارانه به کار

می‌برد، در خانواده وقتی که پسری گریه می‌کند، می‌گویند: تو که دختر نیستی که زود گریه می‌کنی و یا می‌گویند «مرد که این جورنیست» حتی ادبیات حقوقی ما نیز مردسالارانه است در قانون مدنی اگر نگاه کنید این عبارت را زیاد می‌بینید: مرد می‌تواند شرط کند، مرد می‌تواند و . . . پس اولا باید در حوزه فرهنگ عمومی بازنگری جدی صورت گیرد و نگاه رویکرد دوم فراگیر شود و در ذهنیت عمومی رسوخ کند. بسیاری از کسانی که پس از انقلاب متصدی کاری شدند، از نظر گرایش کلی شان پیرو امامند و با رویکرد دوم همراه اما ذهنیت و نگاه معرفتی شان این گونه نیست ممکن است مدیری به لحاظ بخشنامه مجبور باشد این جور عمل کند اما چون خودش به این باور نرسیده در انتخاب همکاران، جور دیگری عمل می‌کند. حوزه دومی که نیاز به کار دارد، بازنگری در قوانین است که کاری جدی و زمانبر است و چون این بازنگری، نمود خارجی رویکرد دوم است تا در این حیطه فعالیت جدی صورت نگیرد تحولی در عرصه اجتماع مشاهده نخواهد شد. حوزه سوم حوزه ساختار مدیریت اجتماعی است، در این حوزه هم باید تحولی ایجاد شود تا این دیدگاه که می‌گوئیم دیدگاه مترقی اسلامی است جا بیفتد.

لازم است این نکته را هم اضافه کنم که تحول در این سه حوزه باید پا به پای هم و منسجم صورت گیرد تا جامعه در زمانی معقول به نتیجه لازم برسد.

بخشی ازچالش های ما به نحوه واکنش وبرخورد ما با قوانین بین المللی برمی گردد. به نظرمی رسد مادرمواجهه بااین قوانین وجریانها روزبه روز منفعل ترعمل کرده ایم و چنانکه شایسته جریان انقلاب اسلامی است درمسئله زن پیش نرفته ایم به نظرشما چه راهکاری را باید دنبال کنیم؟

ما معمولا انرژی خود را بیشتر صرف محکوم کردن رقیب می‌کنیم شما اگر به بعضی از کتابهایی که در این دوره نوشته شده مانند زن در نظام اسلام، نگاه کنید می‌بینید که دو سوم آن درنقد غرب است در حالی که اگر ما خود را قوی مطرح کنیم خود به خود غرب نقد می‌شود، مشکل ما با نقد غرب حل نمی‌شود به نظر من ما باید انرژی خود را صرف تدوین دیدگاههایی که فکر می‌کنیم اسلامی است بکنیم و باید اعتراف کنیم که دراین کار ضعف داریم به همین جهت کتاب های شهید مطهری پس از سی سال هنوز نو به نظر می‌آید. این امر نشانه آن است که بعد از آن کار جدیدتری عرضه نشده است، کتابهایی هم که نوشته شده بخشی از آن شعار و بخشی هم تکرار کلیاتی است که مشکلی را حل نمی‌کند و مثمرثمر نیست و آنکه مورد سئوال است بررسی نمی‌شود لذا باید گفت انرژی ما در حوزه مطالعات زنان هدر می‌رود. شما در صحبت های خود به ضرورت استفاده از تجربیات و یافته های علمی اشاره کردید سئوال این است که در چه بحث هایی می‌توان از دانش بشری استفاده کرد. یک بخش آن در مسائل معرفتی است به عنوان مثال ما روایاتی داریم در باب تفاوت های زن و مرد، می‌توانیم با استفاده از دانش روانشناسی به نقد آنها بپردازیم و از علوم جدید در فهم آنها کمک بگیریم یا می‌توان از دانش جامعه شناسی در تنقیح میراث روایی و دیدگاههای گذشته استفاده کرد مانند اینکه در قدیم می‌گفتند زنها نمی‌توانند مدیریت کنند حال اگر دانش جدید این آموزه را نقض کند باید با این سخن به گونه‌ای دیگر مواجه شویم.

یکی از مشکلات مهم جامعه مربوط به روابط سالم زن ومرد و پاسخگویی معقول و منطقی به غریزه جنسی است چنانکه اخیرا طرحی نیز مطرح شد و واکنش هایی را در پی داشت نظر شما چیست؟

در نصوص دینی در مورد غریزه جنسی سه تا دیدگاه قابل بررسی است نظریه اول برابری غریزه جنسی، به این نحو که در بحث زنای محصنه بین زن ومرد تفاوتی در حکم قائل نشده است، این امرنشان می‌دهد که نیاز زن و مرد در ارضای غریزه جنسی برابر است دیدگاه دوم از نظریه مشهور فقها در حق بضع (زناشویی) و حق قسم به دست می‌آید در این مسئله مشهور می‌گویند زن هر چهار ماه یک بار حق دارد و مرد هر وقت بخواهد زن باید تمکین کند، از این نظریه استفاده می‌شود که میزان غریزه جنسی مرد خیلی زیادتر از زن است و نظریه سوم از برخی روایات استفاده می‌شود که می‌گویند غریزه جنسی زن بیشتر از مردان و حیاء زن زیادتر از آنهاست اینکه کدامیک باید مبنا قرار گیرد نیازمند بررسی است هم بررسی فقهی و هم علمی تا این مبنا روشن شود نمی‌شود در مسائلی چون تعدد زوجات عقد موقت، و امثال آن طرح و برنامه اجتماعی و حقوقی کاملی ارائه کرد. به نظر من ازدواج چهار هدف عمده را دنبال می‌کند، ارضای غریزه، بقاء نسل، سکونت و آرامش روانی ومعاونت در مسائل حیات اجتماعی، پس ارضای غریزه جنسی یکی از مسائل مهم ازدواج است بنابراین در طرح های مربوط به ازدواج اول باید اینها را تحلیل کرد و میزان غریزه جنسی زن ومرد را مشخص نمود آن گاه طرح و قانونی را مدون کرد. خلاصه اینکه در این زمینه نیاز به مطالعه جدی درمتون دینی و استفاده از دانش های بشری داریم . . .

گفتگو با دکتر سید علی قادری

قسمت دوم و پایانی

اصلاحات و دموکراسی اروپایی و لیبرالیسم آمریکایی

*** جواد امیدوار** Omidwar @ post.com

اشاره: دربخش اول این گفتگو که روزدوشنبه منتشرشد، مکانیزم های دخالت بیگانگان درکشورمطرح شد دراین قسمت به تفاوت های سیاسی وساختاری اروپاوآمریکا و حمایت متفاوت آنها ازجریان های داخلی اشاره شده است که می‌خوانید.

تفاوت آمریکا و اروپا

اما تفاوت آمریکا و اروپا، واضح است. آمریکایی ها ازبعضی جهات شباهت هایی به ما دارند، اروپایی ها ندارند. اروپایی ها خیلی سنتی هستند، سنت شکنی در اروپا خیلی کارسختی است. هم در سیاست، هم در اجتماع و در مسایل تکنیکی، . . . در مجموع اروپایی ها خیلی سنتی هستند، آمریکایی ها، از لحاظ آنکه ملتی را در درون خود بپذیرند، راحت ترند.

اصلاح پذیری آنها نیز در سطوح میانی تا آنجا که به سیاست خارجی ارتباطی پیدا نمی‌کند، راحت است لذا این تفاوت ها هست، آنوقت مشاهده می‌کنیم وقتی آمریکایی ها وارد صحنه ایران شدند علاقه‌مندان به آمریکا در ایران بیشتراز علاقه‌مندان به انگلیس هستند. آدمهای سنتی ایرانی به انگلیسی ها علاقه‌مند شدند ولی توده مردم هم آرام، آرام در بعضی زمینه ها نظیر مصرف کالاهای آمریکایی و اتخاذ بعضی رفتارهای آمریکایی، به این سمت گرایش پیدا کردند، اینست که حضرت امام (ره) این همه تلاش می‌کرد به آمریکا حمله کند و در حقیقت به سیاست خارجی آن حمله می‌کرد، شاید بواسطه درک درست این معنا بود که واقعاً جایی که باید بشکند، همین است، و بقیه در مقابل سیاست خارجی آن خیلی چیزی نیستند، در این نظمی که در حال شکل گیری است.

آمریکایی ها خیلی هم با دین مخالفت نمی‌کنند، توضیح آن هم خیلی سخت است. بخاطر همین است که حضرت امام (ره) اسلام آمریکایی را مطرح می‌کند، منظورش این نیست که آمریکایی ها بیایند، مثل انگلیسی ها مذهب سازی کنند، آنها خیلی اهل این حرف ها نیستند، اما بلدند که طوری رفتار کنند که نوع نگاه مسلمان با حفظ اعتقادات خودش همسو باشد با فکری خاص که آنها مایلند.

– برخی معتقدند، آمریکایی ها بسیارمحتاطانه با اطلاعات برخورد می‌کنند وزیاد هم تمایل ندارند یک کشوردموکرات در منطقه خاورمیانه پا بگیرد، چراکه این هم منافع متحدین آمریکا را به خطرمی اندازد وایران را بصورت یک گربه ملوس نشان می‌دهد و لولوسازی های اسرائیل وواشنگتن ازایران را خنثی می‌کند وبرعکس اروپایی ها ازاصلاحات حمایت می‌کنند آیا این درست است؟

– من یک درکی ازاصلاحات آقای خاتمی دارم و معتقدم که ایشان جوری نگاه می‌کند و برخی دیگر، جوری دیگر، آنچه که من فکر می‌کنم آقای خاتمی ازاصلاحات منظور نظر دارند، چیزی است که هم آمریکا و هم اروپا با آن موافقتی ندارند و نه تنها اروپا و آمریکا، بلکه کشوری مثل ژاپن نیز با آن چندان موافق نیست و دلشان می‌خواهد که دست ازاین اصلاحات کشیده شود و اصلاحات برود به طرف اهداف دیگری. بنابراین با این نوع اصلاحات همه قدرت‌های خارجی مخالفند، مگر در جاهای بخصوصی که اصلاحات درآنجاها با برخی مبانی اندیشه‌ای آنها ناسازگاری نشان نمی‌دهد.

آقای خاتمی دربرخی مباحث اندیشه‌ای، دموکراسی را به معنای دموکراسی تعریف شده قبول دارد، البته این بخش‌ها کم است، در کلیت آن آمریکا و اروپا به نظر من، عزم خود را جزم کرده است که اصلاحات مورد نظر آقای خاتمی تحقق نیابد و حالا برای این کار هم می‌توانند راههای مختلفی درست کنند. می‌توانند گروههای مختلفی بسازند، گروهی مخالف اصلاحات، و گروهی که اصلاحات را بیشتر از آنکه آقای خاتمی می‌خواهد، تعقیب کند! و در این وسط اصل اصلاحات است که فراموش می‌شود!

اما، نوعی اصلاحات است که درذهان برخی از روشنفکران وجود دارد، که در این تعبیر اروپایی ها از گروهی حمایت می‌کنند و آمریکایی ها از گروهی دیگر.

مثلاً اروپایی ها خیلی به دموکراسی علاقه‌مند نیستند، ممکن است خیلی ها با این گفته هم عقیده نباشند، کشورهای اسکاندیناوی تجربه دموکراسی بسیار عجیب و غریبی دارند، این کشورها (نروژ، فنلاند، سوئد . . . در اروپا استثناء هستند، بقیه اروپا از جهتی با دموکراسی ناسازگاری جدی دارد به این معنا که دموکراسی را «مال خودش» می‌داند! و اجازه نمی‌دهد که دموکراسی به معنای دموکراسی در کشورهای دیگر، همگانی بشود. نه فقط به دلیل منافع، بلکه به دلیل مسائل نژادی، خون و رنگ، این مسائل کاملاً برای اروپا مطرح است. اروپا توان تحمل دموکراسی هند را ندارد، هند به نوعی دارای یک دموکراسی پیشرفته است و توانسته با این روش یک میلیارد جمعیت را اداره کند، که اداره یک ملت هزار قوم، هزار فامیل و هزار مذهب با دموکراسی بسیار سخت است و در حقیقت به معجزه شبیه است.

غرب با این دموکراسی (هند) خیلی سازگاری ندارد، و با آن گرفتاری دارد با مسئله دموکراسی بصورت «نهادی» برخورد نمی‌کند، بلکه «موردی» و «منافعی» با آن برخورد می‌کند.

فرانسه، خودش را دراین زمینه بیشتراز «انگلیسی»ها نشان داده است، انگلیسی ها هم با آوردن «رضاخان» در ایران نشان دادند که اهل این حرفها نیستند، بنابراین اگر «اصلاحات» به طرف «دموکراسی» برود، غرب، بویژه اروپا، کمتر قادر به تحمل آن است و این عدم تحمل فقط به دلیل منافع مادی و اقتصادی نیست بلکه به دلیل روانی هم هست درخیلی ازنقاط دنیا، اروپایی ها این خاصیت خود را نشان داده‌اند، آلمان‌ها که معنای «دموکراسی» را خیلی نمی‌فهمند، اساساً آلمانی ها ذاتاً مرد عمل و تکنیک هستند. بنابراین اروپایی ها خیلی با دموکراسی بویژه با دموکراسی که به جای دیگر صادر شود سازگاری ندارند. مثالی برای این نوع تفکر اروپایی ها شاید ذهن ما را روشن کند، برای مثال ممکن است خیلی از ما تحمل و طاقت آن را نداشته باشیم که یک کشور اسلامی‌تر از ما تشکیل شود! البته در نزد رهبرانی چون حضرت امام (ره) این علاقه وجود داشت ولی گویا ما خیلی علاقه نداریم!

دموکراسی هم گویا دراروپا، مفهومی شبیه دین یا اعتقادی شده است و لذا چندان به نظر نمی‌رسد که اروپایی ها راضی باشند آن را به دیگری هم بدهند تا «آقا» بشود (این از نظر روانی اینطور است) آمریکایی ها «دموکراسی» را دور زده‌اند، آنها چیزی به نام دموکراسی ندارند، (این بحث درازی دارد) و به لیبرالیسم رسیده‌اند و یک مفهومی از لیبرالیسم دارند که آن مفهوم را اگر اصلاح کنند (چرا که بخشهایی از آن کاملاً کج و معوج است) با مفهوم آزادی در اسلام همسو می‌شود. و این نقطه امیدی است برای این مطلب که آمریکایی ها خیلی زودتر و سریعتر به اسلام گرایش پیدا کنند، نه اینکه حالا حتماً مسلمان بشوند، بلکه در روند نگاه به اسلام، نگاه به طبیعت عینی‌تر بیندیشند، آمریکایی ها اهل اسرافند، خیلی تولید می‌کنند و اسراف می‌کنند و این با نگاه اسلامی به اقتصاد ۱۸۰ درجه تفاوت دارد. اسلام می‌گوید، تولید کنید و انفاق نمائید، این، اخلاق را رشد می‌دهد آمریکایی ها می‌گویند، تولید کنید و اسراف کنید، این باعث تخریب اخلاق می‌شود، بنابراین این نگاه دراروپا نیست، اروپایی ها معتقد به صرفه‌جویی هستند، این واژه صرفه‌جویی که در کشور ما شکل گرفته است، الان هم پیاپی گفته می‌شود، و بسیار بی معنا هم هست، مثلاً در مصرف برق و آب صرفه‌جویی کنید، صرفه‌جویی را به معنای کم مصرف کردن، گرفته‌اند، نه به معنای خوب و درست مصرف کردن. این تعبیر ازاروپا آمده است، این حرفها آنهائی که ازاروپا برگشته‌اند، بیشتر می‌گویند، و آنهائیکه ازآمریکا آمده‌اند، کمتر می‌گویند (در مورد نگاه به طبیعت و نگاه به آزادی، اسلام به تعبیر من و یا به تعبیر شهید مطهری) از دیدگاه اسلام، آزادی اساساً توسعه یابنده است، یعنی آزادی را باید کسب کرد و بر طبیعت و بر اجتماع فائق آمد. آزادی حد ندارد، حتی در انتخاب دین، در انتخاب مسائل اساسی مثل جهنم و بهشت چه برسد به مسائل کوچک مثل سیاست!

اینکه آمریکایی ها اینطوری به لیبرالیسم نگاه می‌کنند، خیلی دموکراسی در آن نیست، در نظام آمریکایی، دموکراسی قوی نیست. انتخابات عجیب و غریب دارند، که شرکت‌های چند ملیتی، سازمانها و احزاب هستند که در آن تصمیم می‌گیرند نه آحاد مردم. اما لیبرالیسم وجود دارد، آزادی به معنای آزادی وجود دارد، یکی از تبعات آزادی هم یک جنبه‌اش در بی‌بندوباری جلوه می‌کند که بی‌بند وباری در آمریکا به میزان آزادی که دارد، دیده می‌شود، یک آمریکایی می‌تواند هر جور که دلش بخواهد حرف بزند، بنویسد، یک جور دیگر بیندیشد، در آمریکا، اگر استادی در سر کلاس دانشگاه، مسائل دیگری را درس بدهد که در طرح درسش گنجانده نشده باشد، مورد توبیخ قرار نمی‌گیرد. اما دراروپا، جلسه تشکیل می‌دهند و این استاد را محاکمه می‌کنند که چرا مطالبی را درس داده که در طرح درس نبوده است، اینها تفاوت‌های ساختاری میان اروپا و آمریکاست.

آمریکایی ها، علاقه‌مند به نگهداری اسرائیل نیستند، الان وقتی ازآمریکا صحبت می‌کنیم بصورت یکپارچه سخن می‌گوئیم، اما اگر داخل سیاست آن بشویم، به نظر من خسته‌ترین ملت از دست اسرائیل، آمریکایی ها هستند، هیچ ملتی در غرب از دست اسرائیل بیشتر از آمریکا متنفر و بیشتراز همه خسته نیست، صهیونیستها در آمریکا، نفوذ دارند، هم شرکت دارند، کارهای تبلیغاتی می‌کنند، مطبوعات را هدایت می‌کنند، گاهی پول‌ها را جابه‌جا می‌کنند هم نرخ ارز را پایین و بالا می‌کنند، اینها، افکار عمومی را نسبت به آنها منزجر می‌کند، این تنفر ازنظر ذهنی است. ولی سیاست خارجی آمریکا یک گرفتاری بزرگ دارد و آن این است که در دسترس مردم قرار ندارد و تحت تأثیر افکارعمومی خیلی قرار نمی‌گیرد، برای همین هم تحت تأثیر قدرت صهیونیستها طرح‌های عجیب می‌دهد مثلاً طرح ترور سران کشورهایی که با آمریکا هم سو نیستند وقتی برای مجلس سنا فرستاده می‌شود برای روشنفکران و مردم آمریکا گران تمام می‌شود برای استاد دانشگاه این کشور خجالت‌آور است اما چون دسترسی افکار عمومی به سیاست خارجی کم است لذا این سیاست، تا حدودی سنتی عمل می‌کند و متناسب با رشد مسائل اجتماعی، فلسفی و فکری توسعه پیدا نمی‌کند، یک نوع عقب ماندگی دارد.

– تابع قدرت!

– نه تابع قدرت هم نیست، یک «میل سازمانی» است. بحثی بنام میل سازمانی وجود دارد یعنی در سیاست خارجی آمریکا یک «مشت میل سازمانی» دارد عمل می‌کند بدون آنکه متناسب با اهداف، آرمانها و منافع و مطامع آمریکایی باشد. که این بحث جدایی می‌طلبد، عقب‌ماندگی سیاست خارجی آمریکا، دنیا را تهدید می‌کند، تهدید به عقب گرد، تحجر می‌کند، نه فقط تهدید به جنگ می‌کند، جنگ یک تهدید کوچک این روند است. حمله به عراق، یوگسلاوی، اینها کارهای میل سازمانی است، مردم نمی‌پسندند اما هر میل سازمانی، توجیه هم دارد. مثل اینکه اگر این کار انجام شود، می‌توانیم اسلحه بفروشیم، عرب‌ها را می‌توانیم بترسانیم، می‌توانیم بگوئیم هستیم! و حال آنکه این موارد مال گذشته است دیگر، ملاک «آقایی» در دنیا نیست. اما در اروپا، اینطور نیست، در آنجا، میان سیاست خارجی و سیاست داخلی نوعی امتزاج برقرار است

آگهی مزایده شماره ۱ / ۸۱

اداره کل راه و ترابری خراسان در نظر دارد یکدستگاه ماشین خط کش خود را از طریق مزایده به صورت اجاره‌ای با شرایط خاص واگذار نماید. لذا بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر از مورخه ۸۱/۶/۹ لغایت ۸۱/۶/۱۱ به آدرس: مشهد- انتهای خیابان فدائیان اسلام «اداره پیمان و رسیدگی» مراجعه نمایند.
ش۴۶۶۲۴

اداره کل راه و ترابری خراسان

آگهی تغییرات در شرکت صنایع ایمنی بهین شیشه مشهد (سهامی خاص)به شماره ثبت ۹۱۴۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخه ۸۱/۴/۲۳ آقایان غلامحیدر صبوری و سید جلیل طالبیان و خانم ملیحه طالبیان بسمت اعضاءاصلی هیئت مدیره برای مدت دو سال و آقایان محمد جواد نصیری و محمد تقی نصیری بترتیب بسمت بازرسان اصلی و علی البدل برای مدت یکسال انتخاب و روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردیده است و طبق صورتجلسه هیئت مدیره مورخه ۸۱/۴/۲۴ خانم ملیحه طالبیان بسمت رئیس و سید جلیل طالبیان بسمت نایب رئیس و غلامحیدر صبوری بسمت مدیرعامل تعیین و کلیه اوراق و اسناد تعهد آور شرکت با امضاءمشترک آقای غلامحیدر صبوری و خانم ملیحه طالبیان و مهر شرکت معتبر است. ضمناًتغییر نشانی شرکت از محل قبلی به محل جدید واقع در بلوار امامت – امامت ۶– جنب بیمه ایران تصویب گردیده است. ش ۲۲۳۲

رئیس ثبت اسناد ناحیه دو مشهد
سید ابراهیم اصفهانی

همسر عزیز و مادرمهربانمان
سرکار خانم محجوب قدم السلطانی

به مبارکی فرا رسیدن ولادت با سعادت **حضرت زهرا (س)** به خود لازم می‌دانیم که ضمن تبریک روز زن، موفقیت‌تان در آزمون فوق لیسانس را نیز به شما تبریک بگوئیم.
ش ۴۶۹۷۶

محسن، محمد و مریم آهنچیان

آگهی تغییرات در شرکت ایمن خودرو شرق سهامی خاص به شماره ثبت (۱۱۸۷۵)

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۸۱/۳/۳۰ ترازنامه و صورتهای سود و زیان سال مالی منتهی به ۸۰/۱۲/۲۹ تصویب و سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس و بازرس قانونی سال مالی منتهی به ۸۱/۱۲/۲۹ تعیین گردیده و ضمن تعیین روزنامه خراسان جهت درج آگهیهای شرکت معاملات موضوع ماده ۱۲۹ قانون تجارت که در سال ۸۰ صورت گرفته نیز تصویب گردیده است.
ش ۲۲۳۱

سید ابراهیم اصفهانی
رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه دو مشهد

قابل توجه کلیه شرکتهای تولیدی، تجاری، صنعتی و مراکز علمی، فرهنگی، هنری، آموزشی
نمایشگاه اختصاصی جوانان در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی خراسان
تلفن‌های ثبت نام و روابط عمومی: ۸۵۹۰۴۸۲-۸۵۹۰۰۳۳-۸۵۱۷۵۴۱ همراه: ۰۹۱۱۵۵۱۵۴۰۷
برنامه هاوطرحهای ویژه و جدیدین نمایشگاه که با حمایت حامیان آن انجام خواهد گرفت همچون: قرعه کشی و اهدا جوایز به بازدیدکنندگان، اهدا جوایز به جوانان مبتکروخلاق استان، عرضه محصولات شرکتهای حامی باتخفیف ویژه، اجرای برنامه های فرهنگی وهنری و همایشهای علمی به جذابیتهای آن خواهدافزود. این نمایشگاه فرصتی مناسب برای پاسخ گویی به نیازهای متنوع جوانان درامور (محصولات تولیدی، صنعتی، خدماتی، فرهنگی، هنری، علمی، آموزشی، ورزشی، کامپیوتری، اطلاع رسانی، اینترنت، خودرو و نیرو محرکه وخوداشتغالی) را فراهم می‌آورد.
مشهد مقدس ۸۱/۰۶/۲۱ لغایت ۸۱/۰۶/۲۹

اینترنت گل
افزایش پهنای باند - افزایش سرعت - تضمین سرعت
۸۴۲۶۹۸۱ (۵ خط)
سرویس روزانه ساعتی ۱۰۰ تومان - شبانه رایگان
ش۴۳۹۶۶